## فهرست مطالب:

[فهرست مطالب: 1](#_Toc425556597)

[خطبه اول: 2](#_Toc425556598)

[خصائص و ویژگی‌های ابراهیم خلیل الله (ع): 2](#_Toc425556599)

[رمز دوستی ابراهیم (ع) با خداوند 3](#_Toc425556600)

[آوردن اسم خداوند 4](#_Toc425556601)

[دلدادگی به خداوند رمز تقرب 4](#_Toc425556602)

[ابراهیم (ع)‌الگو و اسوه بشریت 5](#_Toc425556603)

[احادیث و روایات در مورد مقام ابراهیم (ع) 5](#_Toc425556604)

[مراحل کسب درجات تا امامت ابراهیم (ع) 6](#_Toc425556605)

[امامت حضرت ابراهیم (ع) 7](#_Toc425556606)

[ذکر مصیبت: 8](#_Toc425556607)

[خطبه دوم 9](#_Toc425556608)

[سالگرد نهضت تنباکو: 10](#_Toc425556609)

[انتخابات ریاست جمهوری 10](#_Toc425556610)

[انتخابات تکلیف مردم است 11](#_Toc425556611)

[حضور مردم باعث اقتدار کشور ایران 11](#_Toc425556612)

[امر به معروف و نهی از منکر 12](#_Toc425556613)

[دعا 12](#_Toc425556614)

## خطبه اول:

**لاَ يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ اَلْقَائِلُونَ وَ لاَ يُحْصِي نَعْمَاءَهُ اَلْعَادُّونَ وَ لاَ يُؤَدِّي حَقَّهُ اَلْمُجْتَهِدُونَ [[1]](#footnote-1)، ثم الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الامجد ابی القاسم محمد، و علی آله الاطیبین الأطهرین، سیّما بقیة الله فی الارضین؛ اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم**

**«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ‌»[[2]](#footnote-2) عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوالله و ملازمة امره و مجانبة نهیه و تجهّزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فإنّ خیر الزاد التقوی.**

همه‌ی شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به تقوا و پارسایی، اصلاح نفس و تهذیب اخلاق، دوری از معاصی و گناهان، یاد و ذکر و شکر خداوند در همه‌ی احوال، سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم با عنایات خداوند و توفیقات خاصه‌ی او، همه‌ی ما، از بندگان وارسته و شایسته و خالص او قرار بگیریم.

## خصائص و ویژگی‌های ابراهیم خلیل‌الله (ع):

در ادامه‌ی مباحثی که پیرامون سیره‌ی نورانی و پاک ابراهیم خلیل‌الرحمن مطرح کردیم، عرض کردیم بیش از 20 صفت از اوصاف نیک و خصائل شایسته در قرآن کریم به ابراهیم خلیل‌الرحمن نسبت داده‌شده است. یکی از مهم‌ترین آن صفت‌ها خلیل و دوستی باخداست.

خلیل‌الله و دوست خدا بودن حضرت ابراهیم به استناد آیات قرآن است. همان‌طور که قبلاً عرض شد؛ گرچه اصل دوستی باخدا یک رابطه‌ی قلبی میان ابراهیم و خداست، اما این رابطه‌ی قلبی و قرب میان ابراهیم باخدا، یک امر درونی، و قلبی است. اما این امر در ظاهر و رفتار و اعمال انسان هم ظهور پیدا می‌کند.

این دوستی زیبا، بالاترین لذت‌های را نصیب انسان می‌کند. این دوستی در عمل نیز ظاهر می‌شود.

## رمز دوستی ابراهیم (ع) با خداوند

در کتب روایی و حدیثی، می‌توان این رمز را پیدا کرد. و این رموز عبارت‌اند از:

**1.دستگیری از دیگران:** هیچ‌گاه ابراهیم سائلی را از خود دور نمی‌کرد.

2**.تکیه نکردن به‌غیر خداوند**: از هیچ‌کسی خواسته‌ای نداشت، زیرا می‌دانست که تمام قدرت‌ درید الهی است.

**3.سجده زیاد:** یکی از حالات تقرب و تضرع و تواضع در پیشگاه خداوند متعال، سجده است. ابراهیم خلیل‌الله (ع) بسیار سجده می‌کردند.

**4.راز و نیاز شبانه:** در دل شب باخدای خود به راز و نیاز می‌پرداخت.

**5.انفاق و رسیدگی به محرومان:** از رسول اکرم (ص) نقل‌شده که سر خلیل بودن ابراهیم(ع) این بوده است که به نیازمندان طعام می‌بخشیده است. اهل نفاق و رسیدگی به محرومان بوده است.

**6.صلوات فرستادن**: بنابر روایت امام هادی (ع**): إنّما اتَّخَذَ اللهُ إبراهيمَ خليلاً لِكَثْرَةِ صَلاتِهِ علي محمّدٍ وأهلِ بيِتهِ صلواتُ اللهِ عَلَيهم[[3]](#footnote-3)** :خداوند ابراهیم را انتخاب کرد به دوستی، زیرا اهل صلوات بود.

**فواید صلوات فرستادن به پیامبر گرامی اسلام (ص)**

فرستادن صلوات از قبل از بعثت رسول گرامی اسلام (ص) نیز بوده است، حضرت آدم (ع) نیز به پیامبر صلوات می‌فرستاده است. علت این امر نیز این بوده است که مسئله بعثت رسول گرامی اسلام (ص) از ابتدای خلقت تبیین‌شده بوده است. تمام انبیاء پیمان می‌دادند که رسالت رسول خدا (ص) را تصدیق می‌کنند. این یکی از اجزاء دینی انبیاء بوده است.

طبق آیات و ادله تاریخی، تمام پیامبران، مردم را مژده به رسالت رسول خدا(ص) داده‌اند. انبیاء به رسول خدا (ص) و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) توسل پیدا می‌کردند.

همان‌طور که عرض شد، یکی از دلایل، یاد کردن زیاد حضرت ابراهیم(ع) از حضرت محمد (ص) بود. حضرت ابراهیم(ع) بسیار به درگاه خداوند دعا می‌کرد؛ و از وی طلب پیامبر بزرگی در نسل خویش می‌کرد. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز بارها فرمودند:**‌«أنا دَعوَةُ اِبراهیم»[[4]](#footnote-4)**. من دعای ابراهیم هستم.

**7. دوستی پیامبراکرم (ص):** آن‌قدر مقام و شأن پیامبر گرامی اسلام (ص) بالاست، که ابراهیم (ع) با تعلق‌خاطر و دوستی با او، به قرب الهی نزدیک می‌شود.

**8.آوردن اسم و یاد کردن خداوند در همه احوال:** خلیل‌الله بودن ابراهیم به خاطر تقید او به آداب شرع ازجمله در موقع غذا خوردن، نام خدا را گفتن، در توجه به خدا در آغاز و پایان غذا خوردن و اعمال و رفتارهاست.

## دلدادگی به خداوند رمز تقرب

اگر انسان دلداده‌ی خداوند خویش گردد؛ اهل فروتنی، تواضع، سجده، نماز در تاریکی شب، رعایت آداب الهی و ذکر و یاد او در همه احوال می‌شود.البته باید نسبت به بنده‌های خداوند نیز مهربان و دستگیرشان باشد.

زمانی که حضرت ابراهیم (ع) را به آتش افکندند، یا تحمل و سختی‌هایی که در قربانی کردن اسماعیل (ع) کشید، و خیلی حوادث دیگر ... این‌ها مظهر دوستی حضرت ابراهیم (ع) با خداوند بوده است.

## ابراهیم (ع)‌الگو و اسوه بشریت

**«قَد کانَت لَکُم اُسوَة حَسَنَة فِي اِبراهِيم وَ الَّذینَ‌مَعَهُ»[[5]](#footnote-5)**

برای شما پیروی از ابراهیم (ع) الگوی خوبی است. افرادی که با او بودند، افراد بسیار ممتاز و اندکی بودند.

حالات و خصوصیات کم‌نظیر ابراهیم به‌جایی رسید که خدا فرمود «**وَاتَّخَذَ اللّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً» [[6]](#footnote-6)؛**

خداوند ابراهیم را دوست و خلیل خود می‌داند، همان‌طور که می‌دانید، ابراهیم (ع) در لحظه افتادن در آتش، از جبرئیل کمک و مدد نمی‌گیرد و فقط از خداوند متعال مدد می‌جوید. تمام سختی‌ها و مشکلات را برای خداوند تحمل کرد، اهل عبادت فراوان بودند. با مردم با مهربانی رفتار می‌کردند؛ ازاین‌رو خداوند او را الگوی مناسبی برای بشریت می‌خواند. همچنین دوست و رفیق خود برمی‌شمارد.

## احادیث و روایات در مورد مقام ابراهیم (ع)

در قرآن بیش از بیست مورد از صفات ابراهیم (ع) را برشمرده است، که ما به همین چند نکته اکتفا کردیم. در کتب معتبره‌ نیز روایاتی وجود دارد که به مقام ابراهیم (ع) اشاره دارد.

دریکی از روایات زید شحام (از راویان بزرگ و از اصحاب امام صادق(ع) است) از امام صادق(ع) نقل می‌کند:‌

خداوند، ابراهیم را در ابتدا بنده‌ی خود قرارداد، قبل از آنکه به نبوت برسد؛

اولین خصوصیتی که در ابراهیم شکوفا شد و پله‌ی اول مدارج ترقی روحی و معنوی و ولایی او بود؛ این بود که عبد خدا شد.

این عبودیت پایه‌ی حرکت ابراهیم است. اگر ما نیز بخواهیم شروع به حرکت کنیم باید بندگی خداوند را فراموش نکنیم.

حضرت ابراهیم، در همان دوران 13 سالگی که از جنگل (یا غار)‌بیرون آمد و به‌طرف جامعه حرکت کرد، عبد خداوند بود؛ **اِتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْداً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيّاً [[7]](#footnote-7)؛**

ابتدا ابراهیم(ع) به بندگی رسید،‌بعد به مقام نبوت. مقام نبوت، ارتباط خاصی است که انسان از طریق وحی باخدا برقرار می‌کند. بسیاری از انسان‌ها، ارتباطات عالی عرفانی و عمیق با خداوند دارند، اما این غیر از مقام نبوت است.در مقام پیامبر (ص) نیز چنین مواردی را مشاهده می‌کنیم. اولین ارزش ممتاز و متعالی در شخصیت انسان این است که بنده‌ی خداوند بشود. در این بندگی سرافرازی است.

## مراحل کسب درجات تا امامت ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم در بابل به دنیا آمدند (شرح آن را قبلاً عرض کردیم) در آنجا نمرود حکمرانی می‌‌کرد. حکومت نمرود یکی از حکومت‌های جهانی بوده است و پر از ظلم و فساد و تباهی. حضرت ابراهیم (ع) که یک نوجوان 13 ساله بودند در مقابل این فرهنگ منحط، جهانگیری و قوی حرف تازه‌ای داشت.

اولین نقطه‌ی حرکت حضرت ابراهیم(ع) در سرزمین بزرگ و در یک چنین شرایط خطیر و حساس این بود که بنده‌ی خدا بود. این بندگی باعث شد که خدا او را گزینش کند. و ابراهیم به پیامبری برگزیده شد. یعنی به نبوت رسید.

بعدازآنکه به مقام نبوت رسیدند به مقام رسالت نیز رسیدند. تمام انبیا مقام رسالت ندارند، مقام رسالت وظیفه‌ی اجتماعی است و مسئول می‌شود که تبلیغ و حرکت بکند و طرح دعوت در میان جامعه و قوم خویش بکند.

**إِنَّ اَللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اِتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ‏ عَبْداً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيّاً وَ إِنَّ اَللَّهَ اِتَّخَذَهُ نَبِيّاً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولاً وَ إِنَّ اَللَّهَ اِتَّخَذَهُ رَسُولاً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلاً وَ إِنَّ اَللَّهَ اِتَّخَذَهُ خَلِيلاً قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَاماً فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ‏ اَلْأَشْيَاءَإِنَّ اَللَّهَ اِتَّخَذَهُ رَسُولاً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلاً** [[8]](#footnote-8)بعد از مقام رسالت،به مقام خلیل و دوستی رسید؛ این معلوم می‌شود که آن دوستی عام و کلی نیست. همه‌ی انسان‌ها باکمی خوب شدن، باکمی تعلق‌خاطر به خدا، احساس دوستی باخدا می‌کنند، این نعمتی است که خدا به همه ارزانی داشته، همه می‌توانند به یک نحوی دوست خدا بشوند، اما این دوستی ابراهیم (ع) باخدا که در قرآن به آن اشاره‌شده است، دوستی عمومی نیست.

## امامت حضرت ابراهیم (ع)

**إِنَّ اَللَّهَ اِتَّخَذَهُ خَلِيلاً قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَاماً ، بالاترین و عالی‌ترین درجه‌ای که خداوند به ابراهیم داد در پایان این درجات امامت بود، انبیای اولوالعزم دارای امامت بودند؛ این روایت نشأت گرفته از آیه قرآن است: « وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»[[9]](#footnote-9)**

این آیه، از آیات بسیار مهم در شأن ابراهیم و در مسئله‌ی امامت است. در این آیه می‌فرماید که ابراهیم (ع) بدون هیچ نقصانی تمام امتحانات و آزمایش‌های خود را قبول شد، بعدازآن به مقام امامت رسیدند.

مرحوم علامه طباطبایی رضوان‌الله تعالی علیه در المیزان هم فرموده‌اند، این آیه مربوط به اواخر عمر حضرت ابراهیم است. حضرت ابراهیم میان 130 تا 170 سال عمر کرده است.

حضرت ابراهیم (ع) از 13 سالگی که به مقام نبوت رسید، بعد رسالت، بعد به درجه خلیل‌الله نائل شد، بعدازآن، آزمایش‌ها، امر به معروف‌ها، جان‌فشانی‌ها و ... را کرد و آن موقع که از تمام این‌ها سربلند بیرون آمد به مقام امامت رسیدند. ائمه‌ی طاهر ین (علیهم‌السلام) آن عالی‌ترین درجه‌ای که امامت باشد، رادارند. منتهی بعضی از مقامات نبوت و رسالت برای آن‌ها نیست، اما امامت آن‌ها فوق همه‌ی انبیا و رسل پیشین است.

## ذکر مصیبت:

**السلام علیک یا اباعبدالله و علی الارواح الّتی حلّت بفنائک؛** قصه‌ی اربعین را همه شنیده‌اید، آیا قافله‌ی اسرا بعد از سفر کوفه و شام به کربلا آمدند در روز اربعین یا خیر؟ درت تاریخ، محل بحث است.

آنچه که در تاریخ ثبت‌شده و محل هیچ‌گونه شبهه و اشکالی نیست، این است که جابر بن عبدالله انصاری روز اربعین بر سر مزار اباعبدالله الحسین (ع) و قبر مبارک او حاضر شد.

جابر بن عبدالله انصاری صدوچند سال عمر کرد. وی در 18 جنگ در زمان رسول خدا (ص) در کنار رسول خدا (ص) حاضر بود، همچنین در بدر نیز حضور داشت. تا زمان امام باقر(ع) زنده بود. یعنی از اصحاب رسول خدا(ص)، امیرالمؤمنان(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) امام سجاد(ع) و امام باقر (ع) بود. البته در زمان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ایشان نابینا شده بود.

فردی می‌گوید من روزی جابر را بعد از سال‌ها دیدم، درحالی‌که پیر شده و ابروهای سفیدروی چشم‌هایش قرارگرفته بود، از او در مورد امیرالمؤمنین سؤال کردم، جابر ابروهایش را بالا زد، حالتی که می‌خواهد چشمش را باز کند، گفت **ذَاکَ خَیر البَشَر[[10]](#footnote-10)؛** این علی (ع) که تو پرسیدی، بهترین انسان‌ها‌ است. و ما در زمان رسول خدا (ص) منافقان را به بغض علی (ع) می‌شناختیم. و باز راوی می‌گوید که جابر را دیدم درحالی‌که پیر بود و عصابه‌دست در کوچه‌های مدینه می‌گشت، صدا می‌زد**«یا مُعاشِرَ الاَنصار ادّبوا اَولادِکُم عَلی حُبَّ عَلی[[11]](#footnote-11)»**؛ ای مردم! ای انصار، ای مردم مدینه! فرزندانتان را بامحبت علی پرورش بدهید.

جابر به خاطر اینکه از اصحاب پیامبر(ص) بود، در هنگامی‌که به زیارت قبر اباعبدالله (ع) می‌رفت، تمام وقایع در ذهنش زنده شده بود. او از آن‌وقتی که امام حسن و امام حسین دنیا آمدند در کنار رسول خدا(ص) بوده، آن محبت‌های رسول خدا به این دو آقازاده‌ی عزیز و بزرگوار را دیده است؛ تجلیل و تکریمی که رسول خدا (ص) بخصوص به امام حسین (ع) می‌کرد، مقام و موقعیتی که این آقازاده‌ی نورانی و مبارک در میان مردم داشت؛ را می‌دانست. این‌ها در ذهن جابر قاعدتاً دائم تجسم پیدا می‌کند؛ یک‌وقتی صدا می‌کند: عطیه مرا بر سر قبر آقایم و مولایم حاضر بکن، می‌گوید دست او را گرفتم. بعدازآنکه غسل کرد، آماده‌ی زیارت شد. با یک نورانیت خاص دستش را گرفتم آمدم نزدیک قبر، نشست، بر سر قبر اباعبدالله (ع)، سه بار صدا زد: حبیبی حسین حبیبی حسین، دوست من، عزیز من یا حسین، توقع داشت که مثل همیشه او جواب بدهد. انتظار خودش را این‌طور بیان می‌کند، چرا دوست من به من جواب نمی‌دهی! یک‌وقتی گویا به این تعابیر به خودش جواب می‌دهد چطور دوست تو جواب تو را بدهد درحالی‌که توسط این اشقیا سر او از بدن جدا شد، **لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون؛**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**انّا اَعطَیناکَ الکُوثَر فَصَّلِ لِرَّبِکَ وَ انحَر اِنَّ‌ شَانِئَکَ هُوَ الاَبتَر؛**

## خطبه دوم

**اعوذ بالله اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لو لا ان هدانا الله؛ ثم الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا ابی القاسم محمد؛ علی آله الاطیبین اللهم صل و سلّم علی علیٍ امیرالمؤمنین و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء، و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة؛ اللهم صل علی ائمة المؤمنین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر؛ حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک و مثل الاعلی، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امنا الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَكُونُواْ مَعَ الصَّادِقِينَ»[[12]](#footnote-12)؛ عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوی الله.**

هم همه‌ی شما خواهران و برادران بزرگوار و نمازگزار و خودم را به تقوی و پارسایی، پرهیز از گناهان و اصلاح نفس سفارش و دعوت می‌کنم، با یاد داشته باشیم که نعمت‌هایی که خداوند به ما سپرده است، امانت‌ها و ودایعی است که دیر یا زود از ما باز پس گرفته خواهد شد، و همه‌ی این امانت‌ها مورد بازخواست و بازپرس قرار می‌گیرد. عمر ، جوانی ، مال، مقام، تمکن، را خدا به ما داده است. این‌ها، امانت‌های خداست که باید آن را به خدا بازگرداند؛ امیدواریم که خداوند به همه‌ی ما توفیق بدهد که قدر این نعمت‌های الهی را بدانیم و در آن مسیری که او خواسته است آن‌ها را هزینه و مصرف کنیم ان‌شاءالله.

## سالگرد نهضت تنباکو:

سالگرد نهضت تنباکو است و فتوای بسیار مهم مرجع عالی‌قدر مرحوم میرزای شیرازی در بیش از صدسال قبل یکی از نقاط عطف تاریخ اسلام و کشور ماست.

فتوایی که کشور ما را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد و مرجعیت و دین را برای هدایت و اصلاح امور نشان داد. سالگرد نهضت تنباکو و یاد و خاطره‌ی آن مرجع عظیم‌الشأن و بزرگ الهی را گرامی می‌داریم.

## انتخابات ریاست جمهوری

مجریان و ناظران با همکاری و جدیّت برنامه‌ها را درست طراحی کنند، که انتخابات ریاست جمهوری به خوبی برگزار شود همان‌طور که بارها اعلام کرده‌ام، اساس قانون اساسی ما از قوانین اسلامی الهام گرفته است. پایه‌های حکومت ما در افکار و آراء مردم ریشه دارد و اسلامیت نظام ما در قالب جمهوریت و بر اساس آرا و افکار مردم باید شکل بگیرد. موفقیت یک نظام به این است که آرمان‌ها و ایده‌های خودش را در فرهنگ جامعه بسط و گسترش بدهد و فرهنگ عمومی جامعه مایل و متمایل به اسلام و آرمان‌های اسلامی باشد. انتخابات‌های گوناگونی که در کشور برگزار می‌شود به همین جهت است.

## انتخابات تکلیف مردم است

انتخابات ضمن اینکه حق و تصمیم مردم درعین‌حال تکلیف هم هست. این دو، دوروی یک سکه هستند. از سویی حق مردم است که بسنجند و بیاندیشند و کسانی را به‌عنوان خبرگان ، رئیس‌جمهور و نمایندگان خودشان انتخاب بکنند و از سویی تکلیف نیز دارند که مصالح اسلام، کشور و عزت و عظمت اسلام و آرمان‌های الهی را در نظر بگیرند.

امیدواریم که هم مسئولان، دولتمردان،‌مجریان، ناظران و همه‌ی کسانی که در انتخابات دخیل هستند؛ واقعاً بر اساس رسم امانت‌داری و دقت در رعایت امانت، قوانین و همکاری و هماهنگی تلاش بکنند انتخاباتی برگزار کنند که هم آنچه آراء مردم ماست موردتوجه قرار بگیرد. مردم نیز بر اساس تشخیص خودشان و ملاک‌هایی که از متن انقلاب جوشیده است، بی اندیشند و با تأمل و تفکر به انتخاب بهتر دست بزنند.

امیدواریم این انتخابات مایه‌ی عزت و عظمت کشور باشد. حضور گسترده‌ی مردم درصحنه‌ی انتخابات تعیین سرنوشت برای مردم مؤثر و مفید است، همچنین برای عزت و عظمت کشور در دنیا تأثیر دارد.

## حضور مردم باعث اقتدار کشور ایران

حضور مردم را در انتخابات تقویت بکنیم؛ هر رأی برای عزت و عظمت کشور، مؤثر است، باید تبلیغ بشود که حضور فراگیر، چشم‌گیر و بسیار مؤثری را در کشور شاهد باشیم.

مسئولان برگزاری،‌ناظران،مجریان باید هماهنگ باشند و درست برگزار بکنند و روی قوانین مقررات توجه بکنند.

مردم حق خودشان را اعمال می‌کنند و درعین‌حال تکلیف دارند که انتخاب بهتر و اصلح را فراموش نکنند.

## امربه‌معروف و نهی از منکر

جوانان باید شئونات اسلامی را حفظ کنند؛ الخصوص قشر دانشجو و تحصیل‌کرده‌ی ما؛

باید فرهنگ امربه‌معروف و نهی از منکر در شهر ما زنده بماند؛ من هرگز نمی‌گویم که کسی بدون رعایت مقررات برخورد عملی بکند، باید طبق قوانین باید باشد و در نظام اسلام هر برخورد عملی طبق مقررات باشد. اما درعین‌حال باید فرهنگ ما فرهنگ پاک‌دامنی و عفت و امربه‌معروف و نهی از منکر باشد،. متأسفانه شاهدیم که گاهی برخورد مناسب اخلاقی با منکر نمی‌شود؛ اگر کسی نیز تذکری بدهد مواجه با توهین می‌شود، این مسئله واقعاً چیز بد و ناشایسته‌ای‌ است.

حریم دانشجو و دانشگاه، رعایت سلسله‌مراتب قانونی، توجه به اخلاق درست در امربه‌معروف و نهی از منکر همیشه مورد تأکید بنده بوده است، نباید جامعه ما از فساد و تباهی، و کارهای زشت و ناپسند پر بشود؛ باید در مواردی که لازم است قانون اعمال بشود، نیروی انتظامی، بسیج و مراجع قانونی و دادگاه هم بر طبق قانون عمل بکنند.

## دعا

**نسألک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل الاکرم یا الله؛ یا الله...**

خدایا دل‌های ما را به انوار معرفت و ایمان خودت منور بفرما!...

**بسم الله الرحمن الرحیم قُل هُوَ اللّهُ اَحَد اللّهُ الصَّمَد لَم یَلِد وَ لَم یُولَد وَ لَم یَکُن لَهُ کُفُوَاً اَحَد.**

1. نهج‌البلاغه، خطبه 1 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره حشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشیعه، ج۷، ص۱۹۴. [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحارالانوار، ج 38 ، ص 62 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره ممتحنة، آیه 4 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره نساء، آیه 125 [↑](#footnote-ref-6)
7. . کافی، ج1 ، ص 175 [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره بقره،‌آیه 124 [↑](#footnote-ref-9)
10. الامالی صدوق، ص 136 مجلس 18 [↑](#footnote-ref-10)
11. رجال کشي ص 40 ش 86 معجم رجال الحديث،4 /14 [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره توبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-12)